

نگاهی به اصلاحیه قانون کار

هستی بزرگنیا

1386/2/28

به پیش، نشریه دانشجویی دانشگاه تهران

<http://bepishmag.blogfa.com>

با نگاهی به پیش‌نویس لایحه‌ی اصلاح بخشی از قانون کار، هدفی که دولت با نگارش این اصلاحیه دنبال می‌کند، روشن و مشخص خواهد شد. مواردی از این اصلاحیه، تکرار همان مواد پیشین در قانون کار بوده که هرگز به مرحله‌ی اجرا نرسیده‌اند و در حد پیشنهادات متروک در لایه‌ی ورق پاره‌های قانون باقی مانده‌اند. من باب مثال تبصره‌ی یک الحاقی به ماده‌ی 7 که هیچ نهادی تا کنون، مسئولیت اجرای آن را نپذیرفته است و یا تبصره‌ی چهارم الحاقی به ماده‌ی 7 به این شرح: «کارفرمایان موظف‌اند به کارگران با قرارداد موقت به نسبت مدت کارکرد مزایای قانونی پایان کار به ماخذ هر سال یک ماه آخرین مزد پرداخت کنند» که تکرار ماده‌ی 24 قانون کار است.

اما با نگاه به پاره‌های دیگر از قوانین، در اصلاحیه، دیده می‌شود که دولت دو هدف را به صورت محرز دنبال می‌کند و با بی‌شرمی، آن را، «از میان برداشتن موانع، پا گرفتن تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی» قلمداد می‌نماید. آری، اصلاحیه‌ی جدید قانون کار، بی‌محابا دست و پا می‌زند تا دست کارفرمایان را برای اخراج کارگران و پایمال کردن حقوق حداقل آنان، بازتر از پیش، بگذارد. برای مثال اصلاحیه‌ی ماده‌ی 27 قانون کار به صراحت این حق را برای کارفرما قائل شده است که حتی با احراز عدم تقصیر کارگر او را از کار اخراج کند؛ با این شرح «هرگاه کارگر در انجام وظایف قصور ورزد و یا آئین‌نامه‌های انضباطی کارگاه را نقض نماید کارفرما می‌تواند پس از ابلاغ حداقل دو بار تذکر کتبی که فاصله‌ی میان آن‌ها کمتر از 15 روز نباشد، با جایگزین نمودن کارگر جدید و پرداخت مطالبات و حقوق معوقه و هم چنین پرداخت سنوات به نسبت هر سال سابقه، معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر، تحت نظارت واحد کار و امور اجتماعی محل نسبت به فسخ قرارداد اقدام نماید. کارگر اخراجی ظرف یک هفته می‌تواند به مراجع مذکور در فصل حل اختلاف شکایت نماید و مراجع مذکور موظف‌اند خارج از نوبت به شکایت رسیدگی نموده در صورتی که کارگر مقصر تشخیص داده نشود، هیات حل اختلاف می‌تواند با توجه به مدت کار و میزان مزد و سن و عائله کارگر و سایر شرایط و اوضاع و احوال اضافه بر وجوه مذکور در فوق، مبلغی که از جمع مزد دو ساله‌ی کارگر تجاوز نکند به عنوان خسارت تعیین نماید. کارفرما مخیر به پرداخت این خسارت به نسبت دو سوم به کارگر و یک سوم به صندوق بیمه‌ی بیکاری و یا بازگرداندن کارگر به کار خواهد بود. □

علاوه بر این مساله که حتی پس از اثبات بی‌تقصیری کارگر امید چندانی به رجوع او به کار وجود ندارد، به خصوص زمانی که کارفرما نیروی کار دیگری را جایگزین کرده است این سؤال نیز باقی است که چرا با فرض اخراج کارگر، در شرایطی که کارگر اخراج شده تا یافتن شغل جدید، از لحاظ معیشتی خود و خانواده‌ی خود در تنگنا قرار می‌گیرد، قانون مقرر داشته است که یک سوم خسارت متعلق به کارگر به صندوق بیمه‌ی بیکاری پرداخت گردد.

هم چنین این اصلاحیه و الحاقیات دیگری از این دست که مربوط به حق تشکل‌ها و آزادی سندیکا

می‌شود و به سوی محدودیت بیش از پیش و حذف آن‌ها به طور کلی، پیش می‌رود معنای دیگری جز چنگ و دندان نشان دادن بیش از پیش و قیحانه‌ی سرمایه‌داری ایران به طبقه‌ی کارگر ندارد. فراموش نکنیم که این تنها، دولت جدید نیست که با تصویب این چینی قوانین، از سرمایه‌داری در راه استثمار کارگران حمایت می‌کند، پیش از آن، تلاش‌های مذبحخانه‌ی دولت رفسنجانی و دولت خاتمی در راه واگذاری کارخانه‌ها به بخش خصوصی، پیوستن به سازمان‌هایی که حامی سرمایه‌داری و پیش‌برنده‌ی بخش عظیمی از سیاست‌های بورژوازی هستند چون سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول و جلب رضایت □□□ (سازمان بین‌المللی کار) که چیزی جز عمه و اکره‌ی سرمایه‌داری نیست و به طرز مضحک و قیحانه‌ی حمایت از منافع طبقه‌ی کارگر را هدف و برنامه‌ی خود اعلام می‌کند، در حقیقت، بیان‌گر این مسأله است که دولت کنونی و دولت‌های پیشین، با سرکوبی تشکلهای و جنبش طبقه‌ی کارگر و حمایت بی‌قید و شرط از صاحبان صنایع و کارفرماها، با به کارگیری تمامی ابزارهای موجود و به ویژه ابزار قانون، و الحاقیه‌ها و اصلاح‌هایی که به دنبال هم صادر می‌شوند - که بعضا هم با مخالفت و ایستادگی شدید کارگران مواجه می‌شد تا جایی که بعضی از آن‌ها شکست می‌خورد و از سوی دولت پس گرفته می‌شد - هدف مشترکی را دنبال می‌کردند.

در شرایط حاضر نیز، با در بوق و کرنا کردن اصل 44 قانون اساسی شرایط بیش از همیشه برای ادامه‌ی سیاست‌های آنان مهیا به نظر می‌رسد.

نقش نهادهایی مثل شوراهای اسلامی و خانه‌ی کارگر نیز در همین راستا تعیین شده به نظر می‌رسد. در وضعیتی که کارگاه‌های زیر 10 نفر، کلیه‌ی کارگران صنعت قالبیافی، کارگاه‌های خانوادگی، کوره پزخانه‌ها و... از شمول قانون کار خارج شده‌اند، در شرایطی که سالیان متمادی از اجرای قانون کار فعلی می‌گذرد و ماده‌ی مربوط به حداقل دست‌مزد کارگر که بر اساس معاش یک خانوار پنج نفری تعیین شده هرگز اجرا نشده و صدایی از هیچ نهاد به زعم خود حاضر و ناظر و مدافع حقوق کارگران!!! مانند نهادهای پیش گفته بلند نشده، نقش و جایگاه شوراهای اسلامی و امثالهم در معادلات کنونی مشخص و آن چنان اظہر من الشمس است که بحث بر سر آن فقط می‌تواند به آن جا ختم شود که بعضی فعالین کارگری در مقابل حیرت همگان، مسأله‌ی سه جانبه‌گرایی را مطرح می‌کنند.

در شرایطی که سرمایه‌داری ایران هارتر از همیشه برای استثمار و حشیانه‌ی کارگران دندان تیز کرده است مطرح کردن این مسأله، از گرایش‌های راست درون جنبش کارگری و آویختن آنان به رفرمیسم خبر می‌دهد زیرا، در موقعیت کنونی که بورژوازی بحران‌زده ایران برای حفظ و افزایش سود خود با حملات پی‌درپی، طبقه‌ی کارگر را مورد تعرض قرار داده است و رد پای موج جدید سرکوب و استثمار به راحتی در اصلاحیه‌ی جدید قانون کار قابل مشاهده است، هم چنان دولت را بر فراز طبقات دیدن، قیل و قال بر سر آن و تکرار خسته کننده و تهوع‌آور این حرف در میان جریان‌های راست باز هم پذیرفته می‌نماید اما مطرح کردن «سه جانبه‌گرایی» از سوی بعضی فعالین کارگری دو معنا بیشتر ندارد؛ یا این بخش از فعالین کارگری نسبت به دولت دارای توهم بوده و نمایندگی بورژوازی توسط دولت را انکار می‌کنند و ناآگاهانه با سیاست‌های راست همسو گشته‌اند و یا این که از نقش دولت در این معادلات به خوبی آگاهند که در این صورت معنایی جز به راست درغلندیدن این بخش از جنبش کارگری نمی‌دهد.

در فضای ترسیم شده، تشکلهایی طبقه‌ی کارگر در مقابل جریان‌های راست درون و بیرون جنبش کارگری و حفظ رادیکالیسم در جبهه‌ی خود تنها راه ممکن مقاومت در برابر حملات طبقه‌ی حاکمه است. طبقه‌ی کارگر پیش از این هم اثبات کرده است که می‌تواند نقشه‌های رنگارنگ بورژوازی را برای استثمار کارگران، نقش بر آب کند. همان‌طور که با مقاومت‌های شدید خود، دولت را از سال 61 تا 65 مجبور کرد تا سه پیش‌نویس قانون کار را پس بگیرد.

با اعتراض به اصلاحیه‌ی قانون کار فعلی، نقد چپ، به کلیت قانون اصلی کار را نباید لحظه‌ای فراموش کرد اما این حرکت این توانایی را خواهد داشت که سرمایه‌داری ایران را که بی‌شرمانه به پیش می‌تازد یک قدم به عقب بنشانند و موفقیت دیگری باشد که از رهگذر تشکیل‌یابی و اتحاد نصیب کارگران خواهد شد.

نوشته شده در جمعه بیست و هشتم اردیبهشت 1386